13980717

بسم الله الرحمن الرحیم

درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و به نستعین انه خیر ناصر و معین

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین

و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

بحث سر علی بن حسین سعدآبادی بود که در طریق مرحوم شیخ صدوق به حسن بن زیاد صیقل واقع شده.

یکی از قرائنی که برای وثاقت علی بن حسین سعدآبادی ذکر شده بود، این بود که بزرگان از او روایت می‌کنند که در کلام مرحوم شیخ الشریعه ذکر شده بود. چند نفر را ذکر کرده بودند، پدر شیخ صدوق، ابوغالب زراری، محمد بن موسی بن متوکل، اینها همه درست است. یک نفر دیگر هم در کنار اینها ذکر شده بود، علی بن ابراهیم. اینکه علی بن ابراهیم را راوی از سعدآبادی قرار داده شده به خاطر این هست که در اسناد بسیاری در تفسیر علی بن ابراهیم روایت حدثنا علی بن الحسین عن احمد بن ابی عبدالله فراوان واقع شده.

۱۴ مورد علی بن حسین عن احمد بن ابی عبدالله برقی هست و جزو مشایخ علی بن ابراهیم دانسته شده. این مطلب ناشی از این هست که نسخة موجود از تفسیر علی بن ابراهیم تصور شده که این نسخه، نسخه‌ای هست که همه‌اش برای علی بن ابراهیم است. بحث مفصل تفسیر علی بن ابراهیم هست. چکیدة نتیجه‌گیری بحث را عرض کنم، تفسیر موجود غیر از تفسیر علی بن ابراهیم است، رابطه‌اش با تفسیر علی بن ابراهیم عموم و خصوص من وجه است. یک سری منقولاتش از علی بن ابراهیم هست که محور اصلی تفسیر در قسمت‌های اوّل کتاب هم تفسیر علی بن ابراهیم است ولی کم‌کم هر چی به قسمت‌های آخر کتاب می‌رویم نقلیات از غیر علی بن ابراهیم زیادتر می‌شود، حتی قسمت‌های آخرش بیشتر نقلیاتش از غیر علی بن ابراهیم می‌شود.

حاج آقا با توجه به قرائنی که آن نقلیات دیگری که در این تفسیر وارد شده، مشایخی که هست، عمدتاً مشایخ علی بن حاتم قزوینی هستند، این را فرمودند که ظاهراً این تفسیر علی بن حاتم قزوینی هست که مطلب تمامی هم هست.

نکته‌ای که اینجا هست موارد تفسیر علی بن ابراهیم، مواردی که از علی بن ابراهیم هست از مواردی که از علی بن حاتم قزوینی هست آنها آیا از همدیگر ممتاز هست یا نه؟ بله ممتاز است، یک مقداری کسی با تفسیر آشنا باشد مواردش به راحتی از همدیگر جدا می‌شود.

تقریباً در تمامی موارد وقتی نقلیات از غیر تفسیر علی بن ابراهیم تمام می‌شود بخواهد برگردد به تفسیر علی بن ابراهیم اسم علی بن ابراهیم به صورت صریح یا به صورت ضمیر تکرار می‌کند. خود همین تقریباً مشخص می‌کند که چه شکلی است. و جاهایی هم که از علی بن ابراهیم می‌خواهد مطلبی نقل کند هم همینجور است. نقلیاتی که از علی بن ابراهیم هست یا علی بن ابراهیم را صریحاً آورده یا با تعبیر، که مرجع ضمیر قال علی بن ابراهیم هست چیزهایش روشن کرده. و این مواردی که داریم علی بن حسین، هیچ کدامش به این شکل نیست، اینها برای علی بن ابراهیم نیست، مال علی بن حاتم قزوینی است.

نکتة دیگری که اینجا وجود دارد، علی بن حاتم قزوینی، از علی بن حسین سعدآبادی روایاتی دارد. یک سری موارد با تعبیر علی بن حاتم عن علی بن حسین عن احمد بن ابی عبدالله در تهذیب، جلد۳، صفحة ۷۳، حدیث ۲۳۲، چهارم باب؛ ۸۶، حدیث ۲۴۳، پانزدهم باب؛ صفحة ۸۸، حدیث ۲۴۷، نوزدهم باب

در کتب صدوق هم یک جایی دارد علی بن حاتم القزوینی رضوان الله علیه، حدثنی علی بن الحسین النحوی، حدثنا ابی عبدالله البرقی.

علی بن حسین نحوی همین علی بن حسین سعدآبادی هست که چنانچه توضیحش را در ادامه عرض می‌کنم.

مواردی که در تفسیر قمی هست را برای شما می‌خوانم.

اولین مورد جلد ۱، صفحة ۱۴۰، حدثنا علی بن الحسین عن احمد بن ابی عبدالله عن ابیه عن یونس

در تفسیر قمی این شکلی وارد شده، بعدش روایت را آورده، روایت که تمام می‌شود می‌گوید قال علی بن ابراهیم فی قوله و منهم من آمن به. بعدی را که می‌خواهد شروع کند، قال علی بن ابراهیم ذکر می‌کند.

مورد دومش دیگر در جلد اول از این موارد ندارد می‌رود جلد دوم. نقلیاتی که از علی بن ابراهیم در جلد اول نوعاً از علی بن ابراهیم، از غیر علی بن ابراهیم کم است ولی در جلد دوم که می‌شود از غیر علی بن ابراهیم شروع می‌شود.

دومی‌اش هم جلد۲، صفحة ۱۰۱ حدثنی علی بن الحسین، قال حدثنی احمد بن ابی عبدالله، روایت را نقل می‌کند، بعدش می‌گوید و قال علی بن ابراهیم فی قوله تعالی.

جاهای دیگرش هم همین جلد ۲، صفحة ۲۰۴ ملاحظه کنید. حدثنا علی بن الحسین همین را روایت می‌آورد. بعد حدثنا جعفر بن محمد، آن هم برای همان جمع کنندة تفسیر موجود که علی بن حاتم قزوینی باشد.

بعدش و فی روایة ابی الجارود آن هم برای همان جمع کننده است.

بعد می‌گوید «و قال علي بن إبراهيم في قوله في قوله وَ لَوْ تَرى‏ إِذْ فَزِعُوا فَلا فَوْتَ‏ فَإِنَّهُ حَدَّثَنِي‏ أَبِي عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عن منصور بن یونس...»

می‌خواهد روایت‌های علی بن ابراهیم را بگوید اوّلش یا قال علی بن ابراهیم را ذکر می‌کند.

همینجور این مواردی هست، من جلد۲، صفحة ۳۴۰؛ جلد ۲، صفحة ۳۴۱، این را بخوانم از جهتی مفید هست.

شاگرد: چی شده که فکر کردند برای خود علی بن ابراهیم است؟

استاد: چون محور اصلی‌اش برای علی بن ابراهیم بوده. اینها گاهی اوقات مؤلف کتاب اسم خودش را می‌آورده. به شکل قال فلان فراوان داریم. شیخ طوسی همه جا در تهذیب هست با قال محمد بن حسن تعبیر می‌کند.

همینجور جلد ۲، صفحة ۳۴۰، ۳۴۶، ۳۴۹، ۳۵۳

صفحة ۳۵۳ احمد بن ابی عبدالله در آن به محمد بن ابی عبدالله تحریف شده ولی همین احمد بن ابی عبدالله است.

۳۷۱، دو مورد هست، حدثنا احمد بن الحسین عن احمد بن ابی عبدالله، بعد حدثنا احمد بن الحسین عن جعفر بن ابی عبدالله، نسخه بدل احمد بن عبدالله که ترکیب این دو تا نسخه درست است احمد بن ابی عبدالله است. بعد دوباره قال علی بن ابراهیم بعدی‌اش است. بعد دوباره اخبرنا احمد بن ادریس ذکر می‌کند یک روایت، فی روایة ابی الجارود دوباره و قال علی بن ابراهیم، جاهایی که می‌رود روایت دیگر سند اسم علی بن ابراهیم نمی‌آید، بعد علی بن ابراهیم آمده.

۳۷۱، ۳۸۸.

۳۸۸ این هست حدثنا علی بن الحسین عن احمد بن ابی عبدالله، بعدی‌اش عن احمد بن ابی عبدالله عن الحسین بن سعید عن النظر بن سوید

بعدی‌اش هست و عنه عن احمد بن الحسین عن ابن فضال. احتمال می‌دهم احمد بن الحسین تصحیف احمد عن الحسین باشد. احمد عن الحسین، احمد همان احمد بن ابی عبدالله باشد، حسین، حسین بن سعید باشد که در روایت قبلی هست.

بعد از اینکه این دو تا را می‌آورد و قال علی بن ابراهیم.

صفحة ۴۱۳ احمد بن عبدالله تعبیر کرده که احمد بن ابی عبدالله باید باشد

صفحة ۴۲۷ این هم عین همین است.

صفحة ۴۵۰ هم که آخرین مورد هست که حدثنا که دیگر تمام روایت‌ها، اینکه هر چی هست جلد می‌گذرد نقل‌های از غیر علی بن ابراهیم بیشتر می‌شود در سورة الناس یک نقل از علی بن ابراهیم دارد قال حدثنی ابی عن بکر بن محمد عن ابی عبدالله علیه السلام، قال کان سبب نزول معوذتین روایت را نقل می‌کند. یک روایت از علی بن ابراهیم است. بعد حدثنا سعید بن محمد، دیگر بقیة روایت‌هایش از غیر علی بن ابراهیم است. یکی، دو تا، سه تا، تعداد زیادی، تا آخر کتاب تفسیر ۵، ۶ روایت که هست همه‌اش از غیر علی بن ابراهیم است. بنابراین این موارد علی بن الحسین روایت علی بن حاتم قزوینی است.

علی بن حاتم قزوینی در شرح حالش گفتند یروی عن الضعفاء. چون در موردش گفتند یروی عن الضعفاء، بنابراین روایت علی بن حاتم قزوینی را نمی‌توانیم شاهد قرار بدهیم برای اثبات وثاقت علی بن حسین سعدآبادی.

اینجا یک نکته‌ای عرض کنم. یکی از قرائنی که اینجا نیست.

شاگرد: یروی عن الضعفاء قابل پیگیری نیست، ببینیم سعة مشرب داشته یا

استاد: آنها یک بحث‌های دیگر است که یروی عن الضعفاء چی هست و چند معنی دربارة یروی عن الضعفاء هست که همه‌اش محتمل است

شاگرد: بعضی معانی‌اش مضر نیست؟

استاد: نه. در این بحث مضر است. در این بحث تمام معانی‌اش، علی ای تقدیر در بعضی دیگر مضر نیست ولی در این بحث همة معانی‌اش مضر است.

یک قرینة دیگری در مورد وثاقت علی بن حسین سعدآبادی به نظر من جایی دیدم ولی ممکن است کسی به نظرش بیاید آن این است که ابو غالب زراری در هنگامی که از این علی بن حسین سعدآبادی نقل می‌کند می‌گوید حدثنی مُؤَدِّبی، کأنّ مُؤَدِّبی را اینجور معنا کردند که استاد اخلاق من، کسی که ادب و تربیت من را عهده داشت همچین حدیثی را نقل کرد بنابراین استاد اخلاق ابوغالب زراری قطعاً باید آدم عادلی باشد و عدالت را به علاوة اصالة الضبط ازش وثاقت در می‌آید.

ولی این تقریب درست نیست، مُؤَدِّب به معنای معلم اخلاق نیست. مُؤَدِّب یعنی ادبیات آموز، ادبیات یعنی ادبیات عربی. و این علی بن حسین نحوی بوده. علی بن حسین سعدآبادی در علی بن حاتم قزوینی از او با عنوان علی بن حسین نحوی هم یاد می‌کند. استاد ادبیات بوده، به من ادبیات آموخت. مُؤَدِّب به این معناست. در مرحوم شیخ کلینی هم در یک جایی از همین با تعبیر علی بن الحسین المُؤَدِّب یاد کرده، کافی جلد ۸، صفحة ۱۷۰، حدیث ۱۹۳ با تعبیر علی بن الحسین المُؤَدِّب، این علی بن الحسین المؤدّب معنایش همین هست که عرض کردم استاد

شاگرد: کی بود که استدلال کرده بود؟

استاد: به نظرم جایی دیدم، الآن یادم نیست کجا دیدم، اینجا نیست

شاگرد: به قرینة النحوی فهمیدید که تمام

استاد: اصلاً مؤَدِّب معنایش این است، افراد مُؤَدِّب اصطلاحی است. در آن زمان مُؤَدِّب در موارد مکرر این تعبیر به کار رفته. مُؤَدِّب یعنی ادب آموز. یکی از شغل‌هاست. در اسناد صدوق هم در بعضی جاها همین علی بن الحسین المؤدب، در اعلام الوری، جلد ۲، صفحة ۱۷۸، فکر کنم از ابن عیاش باشد. فمن ذلک رواه من شیخ جعفر بن بابویه، از شیخ صدوق نقل می‌کند قال حدثنا و ... قال حدثنا محمد بن الحسن العلوی قال و حدثنا علی بن الحسین المؤدّب و احمد بن الهارون الفامی. این علی بن حسین مؤدّب شیخ صدوق مستقیم نقل کردنش باید تأمل کرد، یک کمی گیر دارد. علی بن حسین مؤدّب استاد مشایخ شیخ صدوق است، پدرش. آن خیلی در این بحث مهم نیست. کلمة مؤدّب به معنای استاد ادبیات است نه به معنای معلم اخلاق.

عمده همین هست که اکثار روایت مرحوم کلینی و در همین جلد ۸ وقتی می‌خواهد یک نام از نام‌های راویان از احمد بن محمد بن خالد را هم ببرد اقتصار کرده به همین علی بن حسین مؤدّب که شاید مثلاً یک نوع اهمیتی داشته مثلاً قرائت کرده برایش و یک همچین چیزی بوده. آن هم شاید یک ویژگی داشته و این شکلی است.

جزء عدة کلینی هست پدر صدوق و محمد بن موسی بن متوکل و ابوغالب زراری، اینها اکثار روایت می‌کنند اینها به نظر می‌رسد برای اثبات وثاقت کافی است.

مرحوم شیخ الشریعة اصفهانی در قاعدة لاضرر خواسته از روش دیگری حل کند مشکل سند را. گفته ولو علی بن حسین سعدآبادی ثقه هم نباشد ممکن است ما به راه دیگری این سند را تصحیح کنیم. چون این سند اینجوری بود، محمد بن موسی بن المتوکل عن علی بن حسین السعدآبادی عن احمد بن ابی عبدالله البرقی. احمد بن ابی عبدالله برقی که در این سند هست این را یک طریق دیگری مرحوم شیخ صدوق به احمد بن ابی عبدالله برقی دارد در طریق دارد به احمد بن ابی عبدالله در مشیخه که آن عبارت باشد ابی عن، به توسط پدرش و محمد بن حسن ولید عن سعد بن عبدالله عن البرقی روایت می‌کند که ما می‌توانیم کأنّ این سند را جایگزین کنیم با آن سند.

در تقریرات آقای سیستانی به این روش اشکال شده که آن طریقی که به احمد بن ابی عبدالله در مشیخه ذکر شده طریق به همة مواردی که احمد بن ابی عبدالله ولو در وسط سند در فقیه نامش وارد شده نیست. طریق به مواردی هست که احمد بن ابی عبدالله در اول سند واقع شده و فرض این است که اینجا احمد بن ابی عبدالله در اول سند نیست و شما نمی‌توانید از آن طریق برای حل مشکل این کتاب استفاده کنید.

عمدة اشکالی که اینجا باید مطرح کرد، اشکال را به این شکلی که ایشان مطرح کرد نباید مطرح کرد. اگر اشکال را به این شکل مطرح کنیم آن روشی که مرحوم شیخ الشریعه دارد یک نوع تعویض سند است. این تعویض سند نوع‌های دیگری از تعویض سند را می‌شود دنبال کرد که این اشکال آقای سیستانی وارد نشود. مثلاً در طریق به حسن بن زیاد صیقل یونس بن عبدالرحمن واقع است. در کتاب فهرست شیخ طوسی طرق متعددی به یونس بن عبدالرحمن ذکر شده که این طرق متعدد همه‌اش هم از طریق محمد بن علی بن حسین بن بابویه که شیخ صدوق است هست. سه تا طریق در کتاب فهرست شیخ طوسی محمد بن علی بن حسین بن بابویه به یونس بن عبدالرحمن دارد.

ممکن است بگوییم این سه تا طریق اطمینان‌بخش هست و به جمیع کتب و روایات یونس بن عبدالرحمن هست، بنابراین این هم روایت است کأنّ یونس بن عبدالرحمن است ما بتوانیم جایگزین کنیم.

طریقی که به احمد بن ابی عبدالله وارد هست آن هم با یک تقریباتی ممکن است آن هم بگوییم جزء طرق شیخ صدوق هست چون سندش ابن ولید وارد شده و ابن ولید را ما ممکن است بگوییم همه روایت‌هایش را شیخ صدوق هم داشته.

تعویض سند را اگر بخواهیم دنبال کنیم روش‌های دیگری وجود دارد که با این مشکلی که آقای سیستانی مطرح می‌کند مواجه نباشیم.

اصل اشکال یک اشکال، به یک سبک دیگری باید اشکال را مطرح کرد که همان اشکال عامی که به کل مدل‌های تعویض اسناد وارد هست آن را باید دید. و الا مصادیق بحث کلی تعویض اسناد هستند که خصوص مشیخة فقیه خیلی جدا از بحث‌های دیگر نیست.

تعویض که سندی که عرض کردیم به یونس، به وسیلة روایت فهرست شیخ به یونس می‌خواهیم تعویض سند کنیم، مشکلش این است، اشکالی که به تعویض اسناد هست، اینجا در تعویض سند خلط است بین ما رواه شخصٌ و ما روی عن شخصٍ. مرحوم شیخ صدوق به جمیع کتب و روایات یونس طریق دارد. اینکه این روایت، روایت یونس است اگر طریق ایشان به یونس بن عبدالرحمن در مشیخة فقیه در ضمن طریق به حسن بن زیاد صیقل صحیح باشد، معتبر باشد، که دیگر نیاز به تعویض سند نداریم. فرض این است که طریق به یونس، طریق معتبر نیست. ما علی بن حسین سعدآبادی را گیر دادیم. محمد بن موسی بن متوکل را گیر دادیم. می‌خواهیم با جایگزین کردن این طریق با طریق دیگر مشکل ضعف سند را حل کنیم. این روایت، روایت یونس هست، ثابت نشده. تنها به آن طریق ضعیف ثابت شده. ما روایت راوی ضعیف از یک نفر اثبات اینکه این روایت، روایت آن شخص است نمی‌کند. بنابراین این اصلاً مشکل کلی که بحث تعویض سند دارد اینجا هم هست که آن توضیح کامل مشکل این تعویض سند وابسته به بحث کلی هست که ما در مورد نگاه ما به طرق مشیخه این حدثنا بجمیع کتبه و روایاته یعنی چی، خیلی بحث‌های مفصلی دارد که دیگر نمی‌خواهم آن بحث بشوم.

یک بحث اینجا مانده.

یکی از راه‌حل‌هایی که اینجا داریم برای اثبات وثاقت علی بن حسین سعدآبادی وقوع در اسناد کامل الزیارات است. در مورد اسناد کامل الزیارات یک مبنای سابقاً مرحوم آقای خویی داشتند، می‌گفتند همة کسانی که در اسناد کامل الزیارات هستند ثقات هستند. از این مبنا ایشان برگشتند و قائل به این شدند که نه آن عبارت آغازین کامل الزیارات ولو به قرائن خارجیه تنها ناظر به توثیق مشایخ مستقیم ابن قولویه هست.

حالا چه آن مبنای اوّل را ما بپذیریم چه مبنای دوم را بپذیریم و توثیق را اختصاص بدهیم به مشایخ مستقیم مرحوم ابن قولویه هر دوی اینها در این بحث ما کارساز هست. چون علی بن حسین سعدآبادی جزو مشایخ مستقیم مرحوم ابن قولویه در کامل الزیارات هست. در کامل الزیارات

شاگرد: صفحة ۱۰۹ حدثنی علی بن الحسین سعدآبادی

استاد: علی بن الحسینی در مشایخ مرحوم ابن قولویه هست، موارد مکرر آن علی بن الحسین بابویه پدر صدوق است. آن موارد، آنها نه، موارد مکرری علی بن حسین هست که راوی از علی بن ابراهیم، راوی از سعد بن ابی عبدالله آنها نه. راوی از احمد بن ادریس. ولی یک جاهایی هست که با تعبیر علی بن الحسین سعدآبادی نقل کرده. کامل الزیارات باب ۳۶ حدیث ۷ قال حدثنی احمد بن ابی عبدالله البرقی که از احمد بن ابی عبدالله برقی نقل می‌کند، آن موردی هست که مورد استناد هست.

جای دیگری که از این سعدآبادی آیا روایت دارد یا ندارد. تا اینجا که می‌بینم علی بن حسین خالی است که مراد علی بن حسین بن موسی بن بابویه پدر شیخ صدوق است.

علی بن حسین را در کامل الزیارات نگاه می‌کنم. تک تکش را نگاه می‌کنم برای اینکه ببینم قرینه‌ای که این علی بن حسین غیر از علی بن حسین موسی بن بابویه هست داریم. الآن که نگاه می‌کنم نه همه‌اش علی بن حسین بن موسی بن بابویه هست. فقط همان یک روایت است که در

یک مورد علی بن حسین بن سعدآبادی در کامل الزیارات واقع است. تحریف هم ندارد. یک مورد هم باشد باعث نمی‌شود ما تحریف را بخواهیم مطرح کنیم. وجهی ندارد. طبقة علی بن حسین سعدآبادی، طبقه‌ای هست که مرحوم ابن قولویه

ابن قولویه با بعضی از مشایخ کلینی ولو شاگرد کلینی بوده، از بعضی از مشایخ کلینی هم نقل می‌کند مثل محمد بن جعفر بزاز که ازش زیاد نقل می‌کند و بعضی از مشایخ. حسین بن محمد بن عامر از او زیاد نقل می‌کند. جزء مشایخ نسبتاً.

بنابراین دو تا مبنا می‌توانیم علی بن حسین سعدآبادی را توثیق کنیم.

ولی آقای سیستانی می‌گویند نه ما از عبارت کامل الزیارات اثبات وثاقت علی بن حسین سعدآبادی را نمی‌کنیم این عبارت ناظر به توثیق حتی مشایخ مستقیم هم نیست و توضیحاتی در این مورد دادند. که این توضیحات در مقاله‌ای که در مورد کامل الزیارات از حاج آقا منتشر شده مفصل آمده، ایشان در بحث قاعدة لاضرر به این بحث پرداختند و نکات این بحث را متعرض شدند، مجلة تا اجتهاد، پژوهش‌های رجالی این قسمتش آمده. ملاحظه بفرمایید این بحث را. مقداری که آنجا هست به آن اقتصار می‌کنم.

ولی خودمان یک عرائضی داریم که آیا تا چه حد می‌شود از طریق اسناد کامل الزیارات علی بن حسین سعدآبادی را آیا می‌شود توثیق کرد یا نمی‌شود توثیق کرد یک بحث مفصل‌تری هست.

در فرمایشات حاج آقا در این مقاله بعضی نکاتی که آنجا هست ناظر به بعضی از اشکالاتی هست که من قبل از درس خدمتشان عرض می‌کردم و ایشان در درس در مقام پاسخگویی به آن اشکالاتی هست که من خدمتشان عرض کردم، عرض می‌کنم که نکات بحث چی است و این یک بحث نسبتاً مفصلی دارد که بعد از تعطیلات به مناسبت اربعین خدمت دوستان هستیم

قسمت‌هایی که حاج آقا در مورد قاعدة لاضرر صحبت کردند آنها را به اختصار می‌گذرانم. خود همان مقاله مفصل ببینید این مطلب ازش استفاده می‌شود. بیشتر به بعضی نکات تازه‌تر. قبلاً در مورد کامل الزیارات بحث‌هایی کردم ولی اخیراً یک مقداری مکمل‌هایی در مورد این بحث وجود دارد که سعی می‌کنم در مورد آن صحبت کنم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

[پایان]